

هنری توماس

بزرگان فلسفه

مترجم

فریدون بدره‌ای



۱۳۹۶

فهرست مطالب

بیست و سه
بیست و هفت

مقدمه مترجم
پیش‌گفتار مؤلف

الف

۱	اثوناپیوس
۱	ابراونل، یهودا یا ابربانل
۲	آبلار، پیر
۳	ابن ایوب سلیمان ابن یهودا ← ابن جبرون
۳	ابن جبرول ← ابن جبرون
۳	ابن جبرون
۳	ابن خلدون
۶	ابن رشد
۸	ابن سینا
۱۱	ابن مسکویه
۱۲	ابوالبرکات بغدادی
۱۳	آپولونیوس تیانایی
۱۳	اپیکتوس
۱۵	اپیکور
۱۸	اخناتون

یازده	فهرست مطالب
۱۴۱	پرودون، پیر ژوزوف
۱۴۱	پروکلوس یا برقلس
۱۴۲	پری، رلف بارتن
۱۴۲	پریکلس
۱۴۳	پلاگیوس
۱۴۳	پلوتارک
۱۴۴	پلوتینوس
۱۴۵	پن، ویلیام
۱۴۶	پیتاگوراس ← فیثاغورث
۱۴۶	پیتر، والتر هوریشیو
۱۴۷	پیرس، چارلز ساندرز
۱۴۷	پیکودلا میراندولا، جووانی
۱۴۸	پیلی، ویلیام
۱۴۸	پین، تامس
	ت
۱۵۳	تئوفراستوس
۱۵۳	تاگور، سر رابیندرانات
۱۵۴	تالس ← طالس
۱۵۴	تراسوماخوس
۱۵۴	ترتولیانوس، کوینتوس سیتیموس فلورانس
۱۵۵	ترندنبرگ، فریدریخ آدولف
۱۵۵	تفتس، جیمز هایدن
۱۵۶	تلزیو، برناردینو
۱۵۶	تمپل، ویلیام
۱۵۶	تنگ شی
۱۵۷	تولستوی، کنت لئون نیکلایویچ
	ث
۱۵۹	ثورو، هنری دیوید

هـ	بزرگان فلسفه
۱۱۲	بوئتیوس، اینکیوس مانلیوس سورینوس
۱۱۲	بوهر، مارتین
۱۱۲	بوترو، اتین امیل ماری
۱۱۳	بودا
۱۱۸	بوزنکت، برنار
۱۱۹	بوسونه، ژاک بنینی
۱۱۹	بول، جورج
۱۲۰	بولس حواری
۱۲۴	بوناونتوره، قدیس
۱۲۴	بوون، بردن پارکر
۱۲۴	بوهمه، یاکوب
۱۲۵	بهارتری، هاری
۱۲۵	بهمنیاربن مرزبان، ابوالحسن
۱۲۶	بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد
۱۲۸	بیکن، راجر
۱۲۹	بیکن، فرانسیس
۱۳۴	بیکنتورپ، جان
	پ
۱۳۵	پاپینی، جووانی
۱۳۵	پاتانجالی
۱۳۶	پارتو، ویلفردو
۱۳۷	پارکر، ثیودور
۱۳۸	پارمنیدس
۱۳۸	پاسکال، بلز
۱۳۹	پامر، جورج هربرت
۱۳۹	پتاح - هوتپ
۱۴۰	پرفوریوس ← فرفوریوس
۱۴۰	پروتاگوراس

۴۳۱	هریس، ویلیام تور
۴۳۱	هریس، فردریک
۴۳۲	هس، موسی
۴۳۲	هکل، ارنست
۴۳۳	هگسیاس
۴۳۳	هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش
۴۳۵	هلوی، یهودا
۴۳۶	همیلتن، الگزاندر
۴۳۶	هوپاتیا
۴۳۶	هوراس، کوینتوس هوراتیوس فلاکوس
۴۳۷	هوس، یان
۴۳۷	هوسرل، ادموند
۴۳۸	هوفدینگ، هرال
۴۳۸	هوفمان، آوگوست هاینریش
۴۳۸	هومز، آلیور وندل
۴۳۹	هوینزینگا، یوهان
۴۴۰	هیلل
۴۴۰	هیوم، دیوید
	ی
۴۴۵	یانگ - چو
۴۴۵	یولیانیوس، معروف به یولیانیوس مرتد

مقدمه مترجم

در این کتاب زندگی‌نامه و چکیده اندیشه‌های عده‌ای از مردان بزرگ عالم گردآوری شده است. اینان از یک زمان، از یک مرز و بوم، و از یک اقلیم، یا یک قاره، یا یک سوی جهان نیستند، بلکه از چهار گوشه جهان و از همه مرزها و همه بوم‌ها هستند؛ مع‌هذا، همه به ما یک چیز را تعلیم می‌دهند: حکمت و دانایی را دوست داریم، و عظمت و حکمتی را که در عشق و محبت نهفته است بشناسیم؛ زیرا تنها در این صورت است که خوش‌بخت خواهیم شد.

نویسنده این کتاب، هنری تامس، در زندگی‌نامه‌نویسی استاد است. کتاب او، که بیشتر برای عامه اهل کتاب فراهم آمده است نه متخصصان فلسفه، از اندیشه‌های غامض و پیچیده فیلسوفان برداشتی ساده، ولی شیرین دارد. کوتاهی و درازی زندگی‌نامه‌ها به نسبت اهمیت و بزرگی فیلسوفان نیست: زندگی و فکر فیلسوف بزرگی چون ژان پل سارتر در چند سطر خلاصه شده است، اما برای موسی بن میمون یهودی چندین صفحه قلم‌فرسایی شده است. ملاک نویسنده در درازی و کوتاهی زندگی‌نامه‌ها، در حقیقت مقام و منزلت فیلسوف در تاریخ فلسفه جهان نیست، بلکه در آن است که جریان زندگی و اندیشه‌های آن فیلسوف تا چه حد موافق میل نویسنده، و تا چه حد مناسب قلم‌فرسایی‌های ادیبانه و شاعرانه است. اما با همه این‌ها، کتاب، به لحاظ اشمال بر زندگی‌نامه تعداد کثیری از فیلسوفان و متفکران جهان، از قدیم‌ترین ایام تا کنون، هم برای خواننده عادی و هم برای مشتاقان فلسفه مفید است، و دست کم می‌تواند انگیزه‌ای مناسب برای مطالعه آثار جدی‌تر و عمیق‌تر در این زمینه باشد.

مترجم، زندگی‌نامه کسانی چون شکسپیر، گوته، ولتر، و کارلایل را که در متن اصلی کتاب آمده، به لحاظ فیلسوف نبودنشان دست‌کم به معنی رایج کلمه فیلسوف، حذف کرده و در ترجمه

الف

اِئوِناپیوس^۱، ۳۵۰-۴۱۰ ب.م، فیلسوف یونانی. در آتن تحصیل علم کرد. از افلاطونیان پرهرات بود. زهد و رهبانیت مسیحیت را مردود می‌شمرد، و زیبایی و لذت‌طلبی نهفته در ادیان مشکران را می‌ستود. عمده‌ترین کتاب‌هایش زندگی فلاسفه^۲ و تاریخ معاصر^۳ (تاریخ از ۲۷۰ تا ۴۰۴ ب.م) بود. کتاب اخیر تألیف مفصل و مشروحی بود که بالغ بر چهل مجلد می‌شد. تنها قطعات پراکنده‌ای از آثارش باقی مانده است.

ابراونل، یهودا^۴ یا ابریانل، ۱۴۶۰-۱۵۳۰، فیلسوف و طبیب یهودی؛ متولد پرتغال. در دوره سرگردانی قوم یهود، ابراونل از زادگاه خود پرتغال به اسپانیا، و از اسپانیا به ایتالیا رفت. اندیشه‌های او برزخی است میان غروب دوره قرون وسطا و طلوع عهد رنسانس. از پیروان افلاطون، و از پیش‌قدمان اسپینوزا به شمار می‌آید. از نظر فلسفی وی را باید یک فیلسوف وحدت وجودی و پیرو اصالت تصور دانست. به نظر او زندگی سراسر جست‌وجویی است که روح انسان برای رسیدن به نفس کلی می‌کند، و در اصطلاح او نفس کلی، همان خداوند است — یعنی آن قوه ساری و طاری در همه کائنات که در موجودات زنده، از پست‌ترین تا والاترین، از طریق عشق سریان دارد، و صورت نهایی آن در عشق متعالی میان عالم و خالق آن تجلی می‌کند. ابراونل در ایتالیا در گذشت.

1. Eunapius

2. Lives of Philiosophers

3. Contemporary History

4. Abravanel, Judah

آبلار، پیر،^۱ ۱۰۷۹-۱۱۴۲، فیلسوف و عالم الهیات فرانسوی؛ متولد پاله، برتانی.^۲ به سلک کشیشان درآمد، و در پاریس به عنوان استاد فلسفه شهرت یافت. به یکی از شاگردان خود، به نام هلوئیز، که خواهرزاده فولبر، متولی کلیسای نوتردام بود، دل باخت. عاشق و معشوق به برتانی گریختند، و در آنجا پسری از آنان به وجود آمد. در آن هنگام آبلار سی و هشت سال و هلوئیز هفده سال داشت.

دایی هلوئیز عده‌ای از ارادل و اوباش را اجیر کرد تا آبلار را خصی کردند، و آبلار بعد از این حادثه به پاریس بازگشت، و در دیری اقامت جست و هلوئیز را نیز تشویق کرد که به صومعه‌ای در ارزانتوی داخل شود.

اما حتی در کنج انزوا هزاران شاگرد از سراسر اروپا برگرد این فیلسوف ناقص‌العضو فراهم آمدند. آبلار به شاگردان خود تعلیم می‌داد که بر عقل اتکا ورزند، نه بر الهام و وحی؛ و به چیزهایی که با مندرجات کتاب مقدس تناقض داشت، اشاره می‌کرد. وی عقیده ارتدوکس‌ها را درباره تثلث انتقاد می‌کرد، و نظام اخلاقی جدیدی عرضه می‌داشت که مبتنی بر آزادی اراده آدمی بود. کلیسا فلسفه او را مردود شمرد؛ کتاب وی را درباره تثلث سوزانند، و خود وی نفی بلد شد. مع‌هذا، بسیاری از شاگردانش هم‌چنان بدو وفادار ماندند. هر کجا رفت به دنبالش شتافتند، و مشتاقانه به سخنان فصیح او گوش فرا دادند.

سرانجام آبابی کلیسا او را مجبور کردند که بدعت‌های، خویش را انکار کند، و به عنوان یک فرد مؤمن از آنچه گفته است اظهار پشیمانی نماید.

سال‌های آخر عمرش تقریباً در گمنامی و انزوا گذشت. کتابی درباره «مصیبت‌های خود نوشت، و منتخبی از مکاتبات خویش با هلوئیز فراهم آورد.

باری، شورانگیزترین کتاب وی بله و نه^۳ است که مجموعه‌ای است از استدلال‌ها علیه و له بعضی از عقاید عمومی. در این کتاب وی کم‌تر خود از استدلال‌ها نتیجه می‌گیرد، بلکه گرفتن نتیجه را به عهده خواننده می‌گذارد. بهترین چاپ آثار آبلار آن است که به وسیله ویکتور کوزن^۴ (۲ مجلد، ۱۸۴۹-۱۸۵۹) فراهم شده است. وقتی آبلار مرد، هلوئیز تقاضا کرد که جسدش را به وی سپارند تا خود دفن کند. هنگامی که در بیست و یک سال بعد، هلوئیز نیز رخت از این جهان برد، خاکستر عاشق و معشوق را به پاریس بردند و در زیر بقعه واحدی در پر-لاشز^۵ به خاک سپردند. بحث در باب فلسفه آبلار سال‌های بسیار ادامه داشت. عده‌ای می‌گفتند: «کوشش وی در این

1. Abélard

2. Bretagne

3. Yes and No

4. Victor Cousin

5. Père la Chaise

که فلسفه افلاطون را در قالب مسیحیت جلوه‌گر سازد سبب شد که خود وی یک ملحد و بدعت‌گذار به حساب آید، اما دیگران معتقد بودند که خطاهای انسانی او وی را قادر ساخت که بهتر به کمال ذات باری تعالی پی ببرد.

ابو ایوب سلیمان ابن یهودا، فیلسوف عبرانی: ← ابن جبرون.

ابن جبرول، فیلسوف عبرانی: ← ابن جبرون.

ابن جبرون^۱ یا ابن جبرول، شهرت: ابو ایوب سلیمان ابن یهودا، ۱۰۲۱-۱۰۵۸، شاعر و فیلسوف نو افلاطونی عبرانی.

اثر عمده وی *ینبع الحیات*^۲ در متقدمان فلاسفه‌ی فرانسوی، از جمله آلكساندر هالنسیس و دونس اسکوتوس نفوذ بسیار داشت. کتاب ابن جبرون ارمغان شاعرانه‌ای است به گنجینه‌ی آثار عارفانه نو افلاطونی که جذبه روح را برتر از لذات جسم قرار می‌دهد. «من بر آنم که در دوران حیات، روح خویش را چنان تعالی بخشم که منزلگه آن، در ورای ابرها قرار گیرد،

ابن خلدون، شهرت: عبدالرحمان بن محمد بن خلدون، ۷۳۲-۸۰۸ هجری قمری، فیلسوف و مورخ بزرگ مسلمان؛ متولد تونس.

ادبیات و علوم عصر خویش را در نزد پدرش و دیگر دانشمندان آن عصر فرا گرفت، و از آغاز جوانی در عین آن که یک دم از طلب علم باز نایستاد، به کارهای سیاسی و دولتی پرداخت، و در دولت‌های مختلف افریقیه و آندلس به مقامات بزرگ رسید. سپس به مصر رفت (۷۸۴) و در دانشگاه الازهر به تدریس مشغول شد، و نیز از جانب سلطان مصر به مقام قاضی القضاة رسید. در ۷۹۶ برای زیارت خانه خدا به حجاز رفت، و با تیمور لنگ که در این هنگام در شام بود دیدار کرد، و مورد عنایت آن سلطان قرار گرفت.

مهم‌ترین اثر ابن خلدون کتابی است به نام کتاب العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی ایام العرب و العجم و البربر در تاریخ عمومی که مقدمه آن یکی از شاه‌کارهای فلسفی و تاریخی عالم اسلام است، و نخستین تصنیف در علم‌الاجتماع و فلسفه تاریخ به شمار می‌رود، و همین مقدمه است که ابن خلدون را در ردیف یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان تاریخ قرار می‌دهد. در این مقدمه برای

1. Ibn Gabirol

2. Fons Vitae (The Source of Life)